

مقایسه سبکهای فرزند پروری بامریند با سبک فرزند پروری مسئولانه در اسلام

اعظم پرچم *

مریم فاتحی زاده**

حمیده اله یاری***

دریافت مقاله: ۹۱/۴/۴

پذیرش نهایی: ۹۱/۵/۳۱

چکیده

هدف این مقاله مقایسه سبکهای فرزند پروری در نظریه روانشناسی بامریند و سبک فرزند پروری مسئولانه در اسلام (قرآن و احادیث) است. برای مقایسه ابتدا سبکهای فرزند پروری طبق نظریه بامریند در روانشناسی مورد بررسی قرار گرفت و سپس با توجه به سیره پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) روش تربیت فرزند از دیدگاه اسلام بیان شده است.

نتیجه مقایسه نشان می دهد که از میان روشهای تربیتی نظریه بامریند، سبک فرزند پروری مقتدرانه نزدیکترین روش به روش تربیتی مسئولانه در اسلام، و سبکهای فرزند پروری آسان گیرانه و غفلت از کودک به عنوان سبکهای ناسالم از نظر اسلام مطرح شده است و سبک فرزند پروری مسئولانه مبتنی بر آیات و روایات بهترین روش فرزند پروری است.

کلید واژه‌ها: سبک تربیت فرزند، فرزند پروری، نظریه بامریند، تربیت در اسلام

a.parcham88@yahoo.com

* دانشیار گروه الهیات دانشگاه اصفهان

fatehizade@gmail.com

** دانشیار گروه مشاوره دانشگاه اصفهان

hamideh.allahyari@yahoo.com

*** نویسنده مسئول: کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث

مقدمه

خانواده به عنوان اولین کانون اجتماعی، عوامل مختلفی دارد که یکی از عوامل تأثیرگذار بر رشد فرزندان بویژه رشد روانی آنها، چگونگی روشهای تربیتی والدین در چارچوب خانواده است. روش تربیتی والدین در تکوین شخصیت و هم چنین سازگاری آنان با وضعیت مختلف اجتماعی مؤثر است. روابط مطلوب میان والدین و فرزندان در سلامت روان فرزندان تأثیر فراوان دارد.

ارتباط والدین و فرزندان از جمله موارد مهمی است که سالها نظر صاحب نظران و متخصصان تعلیم و تربیت را به خود جلب کرده است.

فرزند پروری^۱ به روشها و رفتارهای ویژه گفته می شود که جداگانه یا در تعامل با یکدیگر بر رشد کودک تأثیر می گذارد. در واقع پایه و اساس شیوه فرزند پروری مبین تلاشهای والدین برای کنترل و اجتماعی کردن کودکانشان است (بامریند^۲، ۱۹۹۱).

در متون اسلامی نیز فرزند پروری فعالیتی پیچیده شامل رفتارها، آموزشها، تعاملها و روشهایی است که جدا و در تعامل با یکدیگر بر رشد معنوی، عاطفی در ابعاد فردی و اجتماعی تأثیر می گذارد. از دیدگاه اسلام، مسئولیت تربیت فرزند در دوران کودکی بر عهده پدر و مادر است تا آنجا که یکی از حقوق فرزندان به شمار آمده است. امام صادق (ع) سه حق را بر پدر لازم می داند که یکی جدیت در تربیت اوست. ایشان می فرمایند: «فرزند بر پدر سه حق دارد: انتخاب مادر مناسب برای او، نام نیک نهادن بر او و جدیت در تربیت فرزند» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۸: ۲۳۶).

نکته قابل ذکر در این مقاله که به آن اهمیت فراوان داده شده، این است که بیشترین مسئولیت و تأثیر والدین در تربیت فرزندان مربوط به دوران کودکی و نوجوانی آنان است زیرا در اواخر دوره نوجوانی و پس از آن نقش فرزندان در تربیت خود به شدت افزایش می یابد.

هدف این پژوهش مقایسه سبکهای فرزند پروری مستبدانه، آسان گیرانه، مقتدرانه و غفلت از کودک در نظریه روانشناسی بامریند و سبک فرزند پروری مسئولانه در اسلام (قرآن و احادیث) است. در این راستا سؤالات زیر مطرح می شود:

- سبکهای فرزند پروری طبق نظریه بامریند کدام است؟

1- Parenting
2- Baumrind

- سبک فرزند پروری سالم و مورد تأیید اسلام چیست؟
 - سبکهای فرزند پروری نظریه بامریند از نظر اسلام (آیات و روایات) چه نقاط قوت و ضعفی دارد؟

نگرشهای^۱ فرزند پروری در روانشناسی و اسلام

رابطه والدین با فرزند در درجه اول از نگرش والدین نسبت به فرزند تأثیر می پذیرد. منظور از نگرشهای والدین، اندیشه ها، احساسات و آمادگی آنها برای عمل در مورد تربیت فرزندانشان است. به طور کلی از نظر روانشناسان اعتقاد بر این است که سه نگرش در مورد تربیت فرزندان در والدین هست:

نگرش سلطه گری: والدینی که دارای این نوع نگرش هستند، معتقدند ضرورتی ندارد برای دستورهایی که به کودک می دهند، دلیل یا توجیهی بیاورند. آنها معتقدند باید برای فرزندانشان محدودیتهایی در نظر بگیرند.

نگرش تملکی: این نگرش در والدینی است که معتقدند با حمایتهای افراطی از فرزندانشان آنها را تحت کنترل خود در آورند. این گونه والدین دوست دارند آنچه دارند، وقف فرزندانشان کنند ولی کودکانشان همیشه به آنها وابسته باقی بمانند. ویژگی برجسته این گونه والدین این است که دوست دارند قطع وابستگی عاطفی کودکانشان به آنها هرچه بیشتر به تأخیر افتد و فرزندانشان همیشه در مرحله طفولیت باقی بمانند.

نگرش بی اعتنایی: این نگرش باعث می شود والدین معتقد شوند نباید روی رفتار فرزندانشان کنترل داشته باشند؛ هم چنین نباید برای تغییر رفتار کودکان از پاداش یا تنبیه استفاده کنند. آنها از فرزندان خود انتظار ندارند که عاقلانه فکر کنند؛ در ضمن نسبت به فرزندان خود هیچ گونه محبت یا صمیمیتی نشان نمی دهند. چنین والدینی که نگرش بی اعتنایی دارند، کودکانشان را به حال خود رها می کنند بدون اینکه به آنان سرمشقی از الگوی بزرگسال بنمایانند (ملک ملکان، به نقل از احمدی، ۱۳۸۸).

اسلام نگرشهای والدین را در مسیر صحیح قرار می دهد؛ به آنان می باوراند که فرزندان دارای

حقوقی هستند و انسان دارای مقام خلیفه الهی، و مستعد اتصاف به همه کمالات است (انسان/ ۲) که رسیدن به آنها در گرو تربیت صحیح است. تربیت صحیح در سایه نگرش مثبت به فرزندان صورت می گیرد. والدین باید نگرشی مثبت نسبت به فرزندان داشته باشند و تربیت آنها را در راستای مظهریت صفات الهی قرار دهند. در نگرش اسلامی فرزندان به عنوان نعمت الهی نزد والدین امانت هستند^(۱) (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۶: ۷) و جزئی از وجود والدین معرفی شده اند.

از نظر اسلام فرزندان از ارکان مهم خانواده به شمار می روند. در کلمات و سیره ائمه (علیهم السلام) نگرش مثبتی نسبت به فرزند وجود دارد. در روایات از فرزند با تعبیری چون: میوه دل^(۲) (متقی، ۱۴۰۹، ج ۱۶: ۴۵۷)، نور دیده^(۳) (طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۱: ۴۸۰)، کسی که انسان را یاری می کند^(۴) (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۶: ۲) و نیز مایه ثواب و پاداش اخروی و رحمت و غفران الهی یاد شده است.

والدینی که معتقدند پدر یا مادر شدن، مسئولیت الهی یا مقدس است در ایجاد ارتباط و حفظ آن به شکل مطلوب و مؤثر نقش فراوانی دارند؛ زیرا ارزش هر امر قدسی از کارهای عادی و مادی فراتر است و همچون دیگر کارهای مقدس و معنوی تناسب بیشتری با بعد اصیل انسان پیدا می کند. به همین دلیل است که در آموزه های اسلامی بر مسئولیت والدین در برابر فرزندان و تقدس و ارزش معنوی آن بسیار تأکید شده است.

والدینی که دارای این نگرش باشند، معتقدند فرزندان به عنوان نعمت الهی، نزد آنان امانت هستند که اگر والدین به وظایف خود در برابر آنان عمل کنند، می توانند از این نعمت همچون سایر نعمتها بهره مند شوند و از سوی دیگر اگر والدین به وظایف خود درباره فرزندان عمل نکنند و آنان را درست تربیت نکنند در برابر تربیت فرزندان مورد مواخذه قرار می گیرند. امام صادق (ع) در این باره می فرماید: «پدر فرزند ناشایست به دلیل کارهای او سرزنش می شود»^(۵) (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۲: ۲۱۹).

این والدین هم به سقوط و انحراف آنها از مسیر حق کمک کرده اند و هم خود آنان در دنیا و آخرت در امان نخواهند بود؛ چنانکه در برخی روایات، فرزند مایه بخل، ترس و حزن دانسته شده است^(۶) (طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۱۵: ۹۶).

ابعاد شیوه‌های فرزند پروری

پژوهشهای معاصر در شیوه‌های فرزند پروری از مطالعات «بامریند» درباره کودکان و خانواده‌های آنان نشأت گرفته است. استنباط بامریند از شیوه‌های فرزند پروری بر رویکرد تیپ شناسی بنا شده است که بر ترکیب اعمال فرزند پروری متفاوت متمرکز است. تفاوت در ترکیب عناصر اصلی فرزند پروری (مانند گرم بودن، درگیر بودن، نظارت و سرپرستی) تغییراتی در چگونگی پاسخهای کودک به تأثیر والدین ایجاد می‌کند.

علاوه بر بامریند، پژوهشگران دیگر نیز برای توصیف سبکهای فرزند پروری رویکرد ابعادی داشته‌اند. سیموند^۱ (۱۹۳۹) این ابعاد را پذیرش / طرد و مسلط / مطیع دانسته است. شافر^۲ (۱۹۵۹) عشق / خصومت و اختیار / کنترل، بیکر^۳ (۱۹۶۴) گرمی / خصومت و محدود بودن / آسان گیر بودن را از ابعاد سبکهای فرزند پروری دانسته‌اند (براون و وایت ساید^۴، ۲۰۰۷، به نقل از احمدی، ۱۳۸۸).

روشهای متفاوتی برای فرزند پروری مطرح شده است. بامریند با توجه به دو بعد پاسخ دهی و تقاضا چهار روش فرزند پروری را عنوان کرده است:

بعد پاسخ دهی^۵ (صمیمیت و اطمینان بخشی): به میزان تلاش والدین برای رشد ابراز وجود و استقلال در کودکان، حمایت و اطمینان بخشی به کودکان و توجه به نیازهای آنان اشاره دارد. بعد تقاضا^۶ (کنترل): به تلاش والدین برای یکپارچگی خانواده و جذب فرزندان در خانواده از طریق داشتن تقاضاهای متناسب با تواناییهای فرزندان، نظارت بر آنان و وضع مقررات اشاره دارد (بامریند، ۱۹۹۱).

این چهار شیوه فرزند پروری عبارت است از: ۱. مقتدرانه ۲. مستبدانه ۳. آسان گیرانه ۴. مسامحه کارانه.

- فرزند پروری مقتدرانه^۷: در این شیوه تربیتی، محبت و کنترل والدین نسبت به فرزندان، زیاد

-
- 1- Simmond
 - 2- Shefer
 - 3- Baker
 - 4- Brown & White side
 - 5- Responsivens
 - 6- Demandings
 - 7- Authoritative

است.

- فرزند پروری مستبدانه^۱: والدین نسبت به فرزندان خود محبت کمتری دارند و هم چنین بر فرزندان خود کنترل بسیاری به کار می گیرند.

- فرزند پروری آسان گیرانه^۲: والدین آسان گیر نسبت به فرزندان خود کنترل کمتری دارند و محبت نسبت به آنها زیاد است و مهرورزی خط وسط الگوی موجود را به خود اختصاص می دهد.

- فرزند پروری مسامحه کارانه^۳: در این شیوه تربیتی، کنترل و محبت به فرزندان در کمترین سطح قرار دارد.

در قرآن و احادیث بر سبک فرزندپروری ویژه ای تأکید شده است تا فرزند به درستی و براساس فطرت انسانی تربیت شود که خدا به وی عطا کرده است و شخصیتش در جنبه های مختلف روانی، عاطفی، معنوی، فردی و اجتماعی به صورت هنجار رشد کند. این سبک، سبک مسئولانه نام دارد. پیامبر اکرم(ص) در این باره می فرمایند: «روش مناسب روشی است که بتواند شخصیت نیکو در فرزند پدید آورد؛ ویژگیهای روانی، هیجانی و رفتاری هماهنگ با فطرت برایش فراهم سازد تا درست و عاقلانه بیندیشد؛ زندگی را شایسته تدبیر کند و روابط خوب و انسانی با دیگران برقرار سازد»(حر عاملی، ۱۳۶۷، ج ۵: ۱۵).

پاسخ دهی و کنترل فرزندان در روش تربیتی مسئولانه بر محور تعادل است. بهترین پاسخ دهی به فرزند محبت است^(۷)(طبرسی ۱۴۰۸: ۲۱۹). در بعد کنترل، تقاضاهای والدین با تواناییهای فرزندان مناسب است و به اندازه توان از آنها انتظار دارند(بقره/۲۸۶). امام صادق(ع) در این باره می فرمایند: «رحم الله من أعان ولده علی برّه قال: قلت کیف یعینه علی برّه؟ قال یقبل میسوره و یتجاوز عن عسوره و لا یرهقه و لا یخرق به» نظارت بر رفتار آنان به عنوان یکی از حقوق فرزندان مطرح شده است(حرانی، ۱۴۰۴ق: ۲۶۳). در نتیجه آن چیزی که از کنترل ابزار تربیتی می آفریند، کنترل و سخت گیری در حد طاقت است نه کنترل و سخت گیری بیش از آن.

از دیدگاه اسلام، والدین خود را مسئول تربیت فرزندان می دانند (حرانی، ۱۴۰۴ق: ۲۶۳). شیوه فرزند پروری مسئولانه مناسبترین روش برای تربیت فرزندان در دوران کودکی است. در نتیجه فرزند پروری مسئولانه در دو بعد کنترل و محبت، متعادل و به دور از افراط و تفریط مشخص می شود.

1- Authoritarian
2- Permissive
3- Neglectful

مقایسه روش تربیتی مستبدانه و روش تربیتی مسئولانه

در خانواده‌هایی که روش تربیتی والدین مستبدانه است، محور روابط بر اساس قدرت، خشونت و رفتار و تربیت خود محوری و پرهیز از مشورت با اعضای خانواده است. به کار گرفتن این شیوه در تربیت فرزندان فضای زندگی را مسموم می‌سازد.

امام علی (ع) می‌فرماید: «در رأی خود استبداد نظر نداشته باش که هر کس استبداد داشته باشد، هلاک می‌شود»^(۸) (خوانساری، ۱۳۷۳: ۴۴۳). پیشوایان اسلام الگوی رفتاری همراه با اعمال قدرت را نادرست دانسته‌اند. امام علی (ع) درباره شیوه صحیح تربیت و رفتار با فرزندان می‌فرماید: «انسان به حکم اینکه انسان، و دارای شعور و اندیشه است از طریق پند و اندرز و ادب شایسته می‌شود نه از طریق زور گویی و تنبیه بدنی» (حرانی، ۱۴۰۴ق: ۹۷)؛^(۹) هم چنین در اسلام دستور داده شده است والدین آداب و رسوم خود را به فرزندان تحمیل نکنند^(۱۰) (ابن ابی الحدید، بی تا، ج ۲۰: ۲۶۷).

از دیدگاه دین اسلام انسان آزادی و اختیار دارد و اجبار و اکراه و تحمیل در تضاد با این ویژگی انسان و محروم کردن فرد از این موهبت الهی است. در برخی از این آیات آشکارا بر مختار بودن انسان در مورد پذیرش هدایت پیامبران و ندای وحی الهی اشاره شده است: انسان ۳/؛ فصلت ۱۷/؛ اسرا/۱۵؛ کهف ۲۹/.

اولین و عمده ترین پیامد اکراه و تحمیل، تربیت نشدن است، والدین با به کارگیری روش اجبار و تحمیل، خود مانع تربیت می‌شوند؛ چرا که آدمی به دلیل داشتن روح استقلال طلبی و آزادگی، استبداد و اجبار را بر نمی‌تابد و در برابر آن واکنش نشان می‌دهد. از سویی دیگر، ناهمگونی تربیت تحمیلی با طبیعت آدمی مانع تربیت شدن او می‌شود.

از پیامدهای دیگر تحمیل، می‌توان به نوعی احساس حقارت در فرزندان و تضعیف عزت نفس آنها اشاره کرد. در وضعیتی که به احساسها، عقیده ها و تمایل فرد توجه نشود و همواره با زور و فشار قدرتی مافوق خود به پذیرش امری مجبور شوند، حس اعتماد به نفس در فرزندان تضعیف می‌شود و نوعی احساس بیهودگی و ناکارآمدی به آنها دست می‌دهد. خود کم بینی، وابستگی و اطاعت کور کورانه نیز می‌تواند از پیامد های اجبار و تحمیل باشد. انسانی که پیوسته تحت فشار قرار گیرد و جرأت اجازه انتخاب و تصمیم گیری نداشته باشد، نشاط و شادابی خود را از دست می‌دهد و به انسانی سر شکسته تبدیل می‌شود (قائمی مقدم، ۱۳۸۲: ۶۶ تا ۶۸).

والدین مستبد با این روش تربیتی خود باعث کاهش کرامت و عزت نفس در فرزندان خویش می شوند که این برخلاف روش تربیتی اسلام است در حالی که محور روش تربیتی اسلام کرامت و حفظ عزت نفس فرزندان است.

در فرزند پروری مستبدانه تقاضاهای والدین، بسیار، و پاسخ دهی آنها کم است. والدین انتظارات بیش از حدی از فرزندان خود دارند و به هیچ وجه وضعیت سنی و جنسیتی فرزندان خود را در نظر نمی گیرند (بامریند، ۱۹۹۱)؛ عواطف میان افراد خانواده کم رنگ است و کمتر از جملات محبت آمیز استفاده می کنند و به هیچ وجه امنیت فرزندان خود را تأمین نمی کنند (استافورد و بهیر، ۱۳۷۷: ۹۶). در حالی که در روش تربیتی مسئولانه تعامل عاطفی میان والدین و فرزندان بر محور تعادل است و محبت کردن به فرزندان از برترین کارها شمرده می شود^(۱۱) (طبرسی، ۱۳۹۲: ۲۴۹) تا آنجا که پیامبر اکرم (ص) می فرماید: «کسی که به کودک ترحم نکند و به بزرگسالان احترام ننماید از ما نیست»^(۱۲) (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷: ۱۳۶).

بهترین نوع رابطه بین والدین و فرزندان رابطه ای است که بر اساس محبت باشد. در سایه محبت است که فرزندان به والدین خود اعتماد، و به سوی آنها گرایش پیدا می کنند^(۱۳) (حر عاملی، ۱۳۶۷، ج ۸: ۵۱۰). ابراز محبت به فرزندان سمت و جهت می دهد و حاصل آن توجه عمیق فرزندان نسبت به والدین است. هنگامی که این توجه به دست آمد، می توان با ابراز محبت، فرد را به برخی کارهای صالح و با منع محبت او را به ترک رفتار برانگیخت؛ زیرا یکی از ویژگیهای محبت این است که میان محبت و اطاعت رابطه معین وجود دارد؛ با ظهور محبت، اطاعت و همرنگی پیدا می شود و محب به محبوب تاسی می کند. انسان به هر چه علاقه پیدا کند، بدو متمایل می شود و سعی در همسانی می کند^(۱۴) (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵: ۱۷۷).

والدین در شیوه مسئولانه، محبت خود را نسبت به فرزندان خود ابراز می کنند؛ چرا که دوام این دوستی و رابطه بین والدین و فرزندان در بیان و ابراز محبت است^(۱۵) (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۸۲). این ابراز محبت به شیوه های گوناگون از قبیل بیان آن^(۱۶) (نهج البلاغه، نامه ۳۱)، بازی کردن با کودک^(۱۷) (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۳: ۲۸۵) و هدیه دادن به آنها^(۱۸) (حر عاملی، ۱۳۶۷، ج ۸: ۳۳۷) صورت می گیرد.

والدین مسئول در محبت و عطف نسبت به فرزندان هیچ گونه تبعیضی را به کار نمی برند؛

چنانکه حتی در بوسیدن فرزندان خود تبعیض قائل نمی شوند (متقی، ۱۴۰۹، ج ۱۶: ۴۴۵)^(۱۹)؛ زیرا این کار به طور قهری موجب می شود که احترام متقابل از میان برود و به دلزدگی فرزند از محیط خانواده منجر شود (یوسف/ ۸ و ۹)؛ هم چنین والدین مسئول برای بارور شدن تربیت فرزندان به تواناییهای فرزندان خود توجه می کنند و انتظارات و توقعات والدین از فرزندان با رشد جسمی، روانی، عقلی و روحی آنان متناسب است؛ چرا که می دانند انتظار بیش از توان فرزند به شخصیت فرزندان لطمه فراوانی وارد می کند. امام صادق (ع) در این باره می فرماید: «رحمت خدا بر کسی که فرزندش را در نیکی ها کمک کند. راوی پرسید چگونه او را در نیکی ها کمک کند؟ امام (ع) فرمود: «آنچه را در توان اوست و انجام می دهد، بپذیرد و از کارهای دشوار بگذرد و از وی تکلیفی فراتر از توانش نخواهد و به وی بی احترامی روا مدارد»^(۲۰) (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۶: ۵۰).

والدین نباید زودتر از موعد از فرزند خود انتظار رفتار منطقی داشته باشند و یا درباره همه کارها با او منطقی و خشک سخن بگویند، بلکه باید موقعیت او را درک، و متناسب با آن با او رفتار کنند تا در خانه احساس امنیت و آرامش کند و پدر و مادر را نزدیکترین افراد به خود و صمیمی ترین اشخاص خود بدانند. در این شیوه تربیتی، فرزندان از امنیت کافی برخوردارند به گونه ای که در ابراز آنچه در درون دارند و بروز استعدادها و خلاقیتهای خود احساس نگرانی نمی کنند؛ زیرا احساس ترس و ناامنی در کودک جرأت، جسارت و خلاقیت را از او سلب می کند. با توجه به سیره معصومان (ع) کوشش در جهت فراهم آوردن زمینه آرامش روانی، نه تنها پسندیده، بلکه وظیفه والدین است. امام علی (ع) افراد را متوجه زیبایی و آراستگی و آرامش روانی می کند و می فرماید: «علیک بالسکینه فانها افضل زینه» : بر تو باد که آرامش داشته باشی؛ زیرا برترین زیبایی است (خوانساری، ۱۳۷۳، ج ۴: ۴۴۹) و هم چنین آن را گواراترین نعمت معرفی می کند. هیچ نعمتی گواراتر از امنیت و آرامش روانی نیست^(۲۱) (خوانساری، ۱۳۷۳، ج ۴: ۴۴۹).

فرزندان در شیوه تربیتی مستبدانه در محیط خانواده با محدودیتهای شدیدی روبه رو هستند و فرزندان حق اظهار نظر ندارند (شریعتمداری، ۱۳۷۸: ۲۱۰). والدین مستبد معتقدند که کودکان توانایی تفکر و تصمیم گیری را ندارند، لذا همیشه به جای آنها تصمیم می گیرند؛ فرزندان آنها حق اظهار نظر ندارند (ماسن، ۱۳۶۸: ۵۵۳). در نتیجه فرزندان دنباله روی و تقلید کورکورانه را یاد خواهند گرفت و توانایی تفکر و تصمیم گیری نخواهند داشت در حالی که در شیوه تربیتی مسئولانه، والدین فرزندان را مخلوقات دارای کرامت می دانند (اسراء/ ۷۰)؛ عزت و احترام به آنان را

وظیفه خویش تلقی می‌کنند و برای آنها ارزش قائل می‌شوند و به روشهای مختلف به تکریم شخصیت فرزندان خود می‌پردازند؛ مانند سلام کردن^(۲۲) (ری شهری، ۱۳۸۵: ۳۰۴)، اجازه خواستن از کودکان برای گذشت از حقوقشان (بخاری، ۱۴۰۱، ج ۳: ۱۳۹)، پرهیز از خشونت در برخورد با آنها، مسئولیت دادن و مشورت کردن با فرزندان (صافات/۱)؛ چرا که والدین مسئول می‌دانند اگر نیاز طبیعی انسان به کرامت نفس تأمین نشود و فرد مورد تحقیر قرار بگیرد و خود را ناتوان ببیند به هر کاری تن می‌دهد و فرد دچار عقده حقارت می‌شود و برای عقده‌گشایی ممکن است در صدد انتقام جویی بر آید (خوانساری، ۱۳۷۳، ج ۲: ۷۲).

با احترام می‌توان شخص را به کارهای نیک به این عنوان که با شخصیت او سازگار است هدایت کرد و از کارهای بد و اخلاق زشت با این عنوان که با شخصیت والای فرد ناسازگار است برحذر داشت.

در روش تربیتی اسلام از تقلید و پیروی کورکورانه شدیداً نهی شده است (ابراهیم/۲۱). قرآن کریم خمیر مایه همه تحولات و دگرگونیهای اجتماعی و اخلاقی و اقتصادی و فرهنگی را در تفکر و به کار انداختن اندیشه‌ها می‌داند (سبأ/۴۶). با تفکر و تعقل است که استعداد پنهان آدمی از قوه به فعل در می‌آید و زمینه حرکت کمالی او فراهم می‌شود (باقری، ۱۳۶۸: ۱۹۱).

از ویژگی دیگری که در شیوه تربیت مستبدانه دیده می‌شود، تربیت به هنگام خشم و ارتباط کلامی نامطلوب است. در این خانواده‌ها معمولاً هیچ امری به اندازه نظم و انضباط صحیح برای این والدین، ارزش ندارد به گونه‌ای که گاهی برای آن از شدیدترین تنبیه‌ها استفاده می‌کنند و کمتر از تشویق استفاده می‌شود، اما در شیوه تربیت مسئولانه از تربیت هنگام خشم نهی شده است^(۲۳) (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۷: ۲۶۰). والدین با ارتباط کلامی مطلوب و استفاده کردن از کلمات و جملات درست، رابطه خوبی بین خود و فرزندان برقرار می‌کنند؛ چرا که موفقیت را در سایه برقراری ارتباط کلامی مطلوب می‌دانند^(۲۴) (خوانساری، ۱۳۷۳، ج ۵: ۳۰۶) و از کلمات زشت و سبک پرهیز می‌کنند؛ زیرا استفاده از کلمات بد تأثیرات روانی و تربیتی بسیار بدی بر فرزندان خواهد داشت^(۲۵) (خوانساری، ۱۳۷۳، ج ۵: ۳۰۶).

در این شیوه تربیتی در برقراری نظم و انضباط تأکید می‌شود، اما در اجرای آن با سختگیری موافق نیست. از نگاه این والدین، آسان گرفتن و مدارا کردن، روش مطلوب و خردمندانه‌ای است برای رسیدن به مقاصد تربیت (خوانساری، ۱۳۷۳، ج ۵: ۳۴۲).

در کودکان و نوجوانان به دلیل عدم رشد کامل عقلانی، زمینه لغزش بسیار است و اشتباه و تقصیر در اعمال و رفتارشان دور از انتظار نیست. والدین مسئول هنگام اشتباهات فرزندان خویش، خود را به غفلت می زنند و چنان وانمود می کنند که خطای فرزندشان را ندیده اند. چنانچه والدین چنین رفتاری داشته باشند، امکان پشیمانی و بازگشت از خطا بیشتر است؛ اما اگر کودکان و نوجوانان در مقابل هر خطا و تقصیری با سرزنش و تنبیه والدین رو به رو شوند، احساس مجرم بودن می کنند و چنان می اندیشند که دیگر اعتبار و ارزشی نزد والدین و بزرگسالان ندارند. این امر باعث می شود که در مراحل بعد نیز لغزش و خطا برایشان زشت نباشد و ارتکاب آن، عادی شمرده شود. گذشته از این، سرزنش و تذکرها، پیای، بذل لجاجت را در وجود فرزند می افشاند و زمینه پذیرش اندرز را در او نابود می کند^(۲۶) (حرانی، ۱۳۶۳: ۸۴).

امام علی(ع) درباره زیاده روی در سرزنش کودک و نوجوان می فرماید: «إِذَا عَاتَبْتَ الْحَدِيثَ فَاتْرِكْ لَهُ مَوْضِعًا مِنْ ذَنْبِهِ يَحْمِلُهُ الْإِخْرَاجَ عَلَى الْمَكَابِرِ» (ابن ابی الحدید، بی تا، ج ۲۰: ۳۳۳): هنگامی که کودک و نوجوانی را به سبب رفتار نا بهنجارش نکوهش می کنی، مراقب باش که بخشی از آن را نادیده انگاری و از تمام جهت مورد اعتراض و توبیخش قرار ندهی تا او احساس نکند طرد شده است؛ زیرا این احساس باعث می شود در رفتارش لجاجت و سماجت به خرج دهد. امام زین العابدین(ع) به دلیل اهمیت اصل خطا پوشی و تغافل، این حق را مورد تأکید قرار داده و دو بار آن را گوشزد کرده اند. ایشان فایده و سبب خطا پوشی را نیز بیان می کنند و می فرمایند: «پوشاندن لغزشهای دوران کودکی و نوجوانی به بازگشت آنان و پرهیز از خطا و لغزش می انجامد» (والستر علیه... والستر علی جرائر حادثه فانه سبب للتوبه (سپهری، ۱۳۷۴: ۱۲۵).

پیامبر اکرم(ص) می فرماید: «رَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَعَانَ وَكَلَّدَهُ عَلَى بَرِّهِ، وَهُوَ أَنْ يَعْفُوَ عَنْ سَيِّئِهِ، وَ يَدْعُو لَهُ فِيمَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ اللَّهِ» (سارمی غفاری، بی تا: ۷۹): «خدا رحمت کند کسی را که فرزندش را بر کارهای نیکش یاری کند، در حالی که از زشتی هایش می گذرد و در خلوت خود و خدا برایش دعا می کند».

والدین با این روش زمینه را برای اصلاح فرزند خود فراهم می کنند، اما چنانکه والدین متوجه شدند عفو آنها به اصلاح فرزند نمی انجامد و شاید به فساد وی منجر شود از این روش صرف نظر می کنند. والدین مسئول در یکی دو بار نخست، اشتباه فرزندشان را ندیده می گیرند و تهدید می کنند که اگر پس از این از ناحیه او تخلف و نافرمانی صورت پذیرد، تنبیه خواهد شد. امام

صادق(ع) در این باره می فرماید: «اگر فرد مورد تربیتی، هم نسبت به اصل وظیفه آشنا باشد و هم از کیفر مسامحه و نافرمانی خود آگاه باشد و در عین حال، یکی دو بار از سوی مربی خود بخشیده شود در این صورت باز هم اگر سرپیچی کند، اجرای تنبیه را حق خود بداند و این کار، تأثیر بایسته خود را خواهد گذاشت ولی در غیر این صورت ممکن است او خود را مستحق تنبیه نداند و آن را در حق خود ظالمانه انگارد و با این تصور، تنبیه نه تنها اثر مطلوبی نخواهد داشت بلکه تأثیر زیانبار و نامطلوب آن قابل انکار نیست» (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۵: ۱۳۴).

در این شیوه تربیتی بر خلاف روش تربیتی مستبدانه از تشویق و تنبیه به جا استفاده می شود. برای هر تربیت متعادل تشویق و تنبیه ضروری است؛ زیرا اگر نیکوکار و بد کار از نظر جزا یکسان باشند، زمینه به منظور بی رغبتی نیکوکاران به کارهای نیک فراهم می شود. والدین مسئول به این مسئله آگاه هستند که هیچ چیز مانند تشویق صحیح و بجا انسانها را به تلاش و درستکاری بر نمی انگیزد؛ زیرا انسان فطرتاً به کمالات و نیکویی و تشویق و قدر دانی میل دارد. هر انسانی به فطرت خود متمایل به کاملتر شدن است و تشویق آدمی در این جهت و قدر دانی از آنچه در این راه به دست می آورد او را بیشتر بر می انگیزد و دلگرم می کند. امیر المومنین(ع) در این باره به مالک اشتر چنین سفارش می کند: «وَ واصل فی حُسنِ اَتِّئاءِ علیهم و تعدید ما ابلی ذو البلاء منهم؛ فَإِنَّ کَثْرَةَ الذِّکْرِ لِحُسْنِ أفعالِهِمْ تَهْتِئُ النَّاکِلُ ان شاء الله» (رضی، ۱۳۸۶: ۴۰۶). والدین مسئول فرزندان خود را تنبیه بدنی نمی کنند و از قهر و به کارگیری تنبیه‌های سخت و طولانی مدت پرهیز می کنند (مجلسی، ۱۴۰۳ ج ۱۰۴: ۹۹).

مقایسه روش تربیتی آسان گیرانه و روش تربیتی مسئولانه

ویژگی اصلی شیوه آسان گیرانه عدم توجه به فرزندان و کنترل آنها است. بر خلاف روش تربیتی اسلام، والدین آسان گیر نسبت به تربیت فرزندان خود بی توجه هستند و کنترلی نسبت به رفتار فرزندان خویش به کار نمی گیرند در حالی که در شیوه تربیتی مسئولانه، والدین فرزندان را جزئی از وجود خود می دانند و در برابر آنها احساس مسئولیت می کنند؛ چنانکه والدین باید برای آموزش و تربیت فرزندان بهترین شیوه ها را به کار گیرند و تربیت فرزند به عنوان حق اساسی و مسلم فرزندان شمرده شده است^(۲۷) (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۸: ۲۳۶). از دیدگاه اسلام والدین در برابر تعلیم و تربیت فرزندان خود و رشد و کمال آنها مسئول و

مکلف هستند و به آنها اجازه داده نمی شود که فرزندان خود را در آزادی مطلق و بی عنان رها کنند. مسئله تربیت فرزند به حدی سنگین است که حضرت امام سجّاد(ع) نیز در مقام تربیت فرزند و مسئولیت سنگین الهی آن از پیشگاه خدا استعانت می جوید و عرضه می دارد: «و اعنی علی تربیتهم و تأدیبهم و برهم (شیروانی، ۱۳۸۵: ۱۲۵) بارالها! مرا در تربیت و تأدیب و نیکی فرزندانم یاری نما.

والدین نباید آن چنان آسان گیر و اهل تسامح شوند که فرزندان بتوانند هر کاری می خواهند انجام دهند و بدون هر گونه مراقبت و نظارتی به هر کجا می خواهند سرکشی کنند و به هر اقدامی می خواهند مبادرت ورزند. در آیه ۶ سوره تحریم به این نکته اشاره شده است. «یا ایها الذین آمنوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ» (تحریم/۶): «قوا» به تعلیم و تربیت خانواده اشاره دارد که اگر سرپرست خانواده به اهل خانه توجه نکند، خواه ناخواه به سوی آتش دوزخ پیش می روند.

این والدین هستند که باید فرزندان را از سقوط و انحراف از خط مستقیم الهی حفظ کنند و موظف و مکلف به مراقبت از فرزندان هستند. والدین از نگاه اسلام نسبت به فرزندان مسئولیت سنگینی دارند و موظفند تا آنجا که می توانند در تربیت فرزندان خود بکوشند؛ چرا که فرزندان در دست والدین امانت الهی هستند. بنابراین باید در مراقبت و نظارت بر رفتار فرزندان از هیچ تلاشی دریغ نوزند. اگر به فرزند آزادی بیش از حد داده شد، کم کم زمینه سرکشی نسبت به والدین نیز فراهم می شود.

امام علی(ع) می فرماید: «وقتی فرزند در کودکی جرأت جسارت کردن به پدر خود را پیدا کند در بزرگسالی بتدریج باعث عاق پدرش خواهد شد» و هم چنین می فرماید: توجه زیاد به فرزندان آنها را به زورگویان کوچک تبدیل می کند «شَرُّ الْأَبْنَاءِ مَنْ دَعَاهُ التَّقْصِيرُ إِلَى الْعَقُوقِ» (یعقوبی، ۱۳۵۸، ج ۳: ۵۳): «بدترین فرزندان کسانی هستند که تقصیرها و کوتاهی ها آنان را به مخالفت [با والدین] سوق دهد».

والدین آسان گیر به تربیت فرزندان توجه ندارند و نه تنها خود به عنوان الگو برای فرزندان نیستند، بلکه به معرفی الگو برای فرزندان خویش نیز نمی پردازند (کانجر، ۱۹۷۷، به نقل از فقیهی) در حالی که در شیوه مسئولانه والدین نسبت به سرنوشت فرزندان حساسند و آنان را به حال خود

رها نمی کنند، بلکه خود آنان رفتار و صفات مطلوب را عملاً در رفتار خود منعکس می کنند و به عنوان الگو برای فرزندان خود هستند و یا به معرفی الگو می پردازند که به گفته قرآن، پیامبران و اهل بیت (ع) بهترین الگو برای تربیت انسان هستند (احزاب/۲۱).

امام علی (ع) در این باره می فرماید: برای بس است اگر رسول خدا (ص) را مقتدای خود گردانی؛ پس به پیامبر پاکیزه و پاک خود اقتدا کن که راه و رسمش، سرمشقی است برای کسی که بخواهد پیروی کند و انتسابی است برای کسی که بخواهد منتسب گردد و محبوبترین بندگان نزد خدا کسی است که رفتار پیامبر را سرمشق خود قرار دهد و به دنبال او برود^(۲۸).

پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) انسانهای کامل و مظهر اسمای الهی هستند. در نتیجه اگر کسی بخواهد متخلق به اسمای الهی شود، باید شاگرد این مکتب باشد. در نتیجه والدین با معرفی پیامبر و اهل بیت به عنوان الگو و دوستی و محبت به ایشان بهترین راه تربیت و کوتاهترین راه اصلاح را برای فرزندان خویش انتخاب کرده اند. فرزندان با داشتن محبت اهل بیت (ع) در دل به آنها تاسی می کنند و خود را هم رنگ و مشابه آنان می سازند.

محبت به اهل بیت (ع) و اطاعت از آنان در نهایت باعث شکل گیری دوستی الهی در وجود آنان می شود؛ زیرا شرط تحقق محبت به خدا از جانب عبد، پیروی و اطاعت از رسول اکرم (ص) است و در نتیجه این حب است که فرزندان در مسیر صحیح تربیت قرار می گیرند و سرانجام به مقام خلیفه الهی و قرب الهی دست می یابند که هدف نهایی آفرینش است.

در روش تربیتی آسان گیرانه، تقاضا کم و پاسخ دهی زیاد است؛ به فرزندان آزادی بیش از اندازه داده می شود و هدفگذاری مناسب برای آنها صورت نمی گیرد. الگوی تربیتی آنها فقط محبت و دوست داشتن است. این خانواده ها، بی قید و شرط نیازهای کودکان را برآورده می کنند و الگوی تربیتی آنها فقط محبت و دوست داشتن است (شریعتمداری، ۱۳۷۸: ۲۱۵).

والدین آسان گیر به فرزندانشان اجازه می دهند در هر سنی که هستند خودشان تصمیم بگیرند در حالی که هنوز قادر به این کار نیستند. والدین آسان گیر در محبت به فرزندان خود بسیار افراط می کنند تا حدی که کودکانشان را عاصی می کنند. آنها معتقدند که والدین خوب به هیچ وجه نباید عصبانی شوند؛ لذا همه کارهای فرزند خود را تحمل می کنند و کار به جایی می رسد که به مرحله انفجار می رسند و ناگهان کودک را شدیداً تنبیه، و سپس سعی می کنند به هر صورتی آن

را جبران کنند(برک^۱، ۱۳۸۱: ۳۸۳).

یکی از اساسی ترین مبانی رفتار انسانی از نظر دین اسلام وجود میانه روی در روابط خانوادگی است. این اصل در تمامی زمینه ها و هم چنین در زمینه برنامه خانوادگی مناسب است. افراط و تفریط در اسلام در همه کارها نهی شده است و به عنوان یکی از ویژگیهای شخص جاهل از آن یاد می شود(رضی، ۱۳۸۶: ۴۵۵)^(۲۹). در شیوه تربیتی مسئولانه محبت به فرزندان به اندازه کافی و بر محور تعادل است و از زیاده روی در محبت نهی شده است. امام صادق(ع) می فرماید: «بدترین پدران کسانی هستند که نیکی به فرزندان آنان را به افراط بکشاند» (یعقوبی، ۱۳۵۸، ج ۲: ۳۲۰). از دیگر ویژگیهای روش تربیتی آسان گیرانه این است که از روشهای تربیت بموقع استفاده نمی کنند و گاهی بی دلیل فرزندان خود را تشویق می کنند؛ قوانین را بارها و بارها توضیح می دهند؛ به فرزندان خود اجازه می دهند که با آنها بی احترامی رفتار کنند و هرگونه آزار و اذیتی را پذیرا هستند؛ بهترین چیزها (غذا، لباس، امکانات) را برای فرزندان خود می خواهند در نتیجه فرزندان خود خواه دارند. این فرزندان نمی توانند هیچ گاه احساس مسئولیت کنند (ماسن، ۱۳۶۸: ۵۵۳).

والدین در شیوه تربیتی مسئولانه از روشهای تربیتی بموقع و به جا استفاده می کنند به طوری که از تشویق بیجا خودداری می کنند؛ زیرا می دانند موجب خودپسندی و غرور در فرد می شود.^(۳۰) والدین در این خانواده ها از ارزش و جایگاه والایی برخوردار هستند و فرزندان حتی اگر از والدین ناراحت شوند، نسبت به آنها واکنش نامناسب نشان نمی دهند. در قرآن سپاس و احسان به والدین به عنوان حقی بزرگ در کنار حق خداوند متعال مطرح، (اسراء/ ۲۲) و در روایات هم حق والدین به عنوان بزرگترین حق بین حقوق اجتماعی قلمداد شده است. در روایات اسلامی توصیه شده است که فرزند باید نسبت به والدین، فروتن و خاضع باشد و آن دو را بزرگ بدارد و آنها را به اسم صدا نزند و جلوی آنها راه نرود و با مهر و محبت به آنها نگاه کند که چینی نگاهی عبادت است^(۳۱) (حرانی، ۱۴۰۴ق: ۴۶).

والدین مسئول از زیاده گویی و پرداختن به حواشی پرهیز می کنند؛ زیرا این نوع ارتباط کلامی نه تنها برای فراگیر سودمند نیست، بلکه ملال آور است^(۳۲).

خانواده های آسان گیر انتظارات مشخصی از فرزندان خود ندارند و معمولاً به صورت مبهم با

فرزندان خود صحبت می کنند (ماسن، ۱۳۶۸: ۵۵۳).

فرزندان این قبیل والدین اغلب از لحاظ اجتماعی غیرشایسته و فاقد خویشتن داری هستند؛ تحمل سختی را ندارند و غالباً از کنترل خارج هستند و قدرت مهار تحریکات آنی را ندارند (مکوبی^۱، ۱۹۸۴) در حالی که در شیوه تربیتی مسئولانه، والدین با توجه به بعد معنوی انسان به تربیت دینی فرزندان اقدام، و با مجهز کردن آنها به سلاح تقوا و صبر، آنان را خویشتندار می کنند و توان مقاومت را در برابر سختی ها و مشکلات در وجود آنها افزایش می دهند؛ چرا که یکی از آثار تربیتی تقوا، رهایی از مشکلات و سختیهاست. در منطق قرآن، انسان متقی از سوی خدا به نیروی دفاعی خاصی مجهز می شود که چه از حیث روانی و درونی و چه از حیث خارجی قدرت فائق آمدن بر مشکلات را به او می دهد (طلاق/۴). تقوا نیز با قوتی بیشتر چنین آرامشی را ارزانی می دارد؛ شخصیت انسان را تحت سیطره قرار می دهد و با وصل او به قدرت لایزال الهی موجبات تأمین نیازها و رفع مشکلاتش را فراهم می کند. اساساً یکی از آثار وضعی تقوا آسان شدن کارها و رفع مشکلات است. انسان متقی در کوران حوادث با تمسک به ریسمان الهی خود را نجات می دهد (نمل/۵۳) و چون از انوار الهی بهره می گیرد از فیوضات الهی برخوردار می شود» (ص/۴۹) و معضلات و مشکلات را از سر راه خود بر می دارد.

مقایسه روش تربیتی مسامحه کارانه و روش تربیتی مسئولانه

در روش مسامحه کارانه تقاضا و پاسخدهی هر دو کم است؛ یعنی روابط عاطفی میان والدین و فرزندان و هم چنین نظارت و کنترل فرزندان بسیار کم است. این والدین در زندگی فرزندان خود اصلاً درگیر نیستند؛ راهنمایی و جهت دهی به آنها ارائه نمی کنند. والدین بی کفایت و مسامحه کار نسبت به نقش پدر یا مادری خود در مراقبت از فرزندان (جز فراهم کردن حداقل از لباس و غذای لازم) تعهدی ندارند (مکوبی، ۱۹۸۴).

ویژگی این والدین غفلت و بی توجهی است. اینها والدین فارغی هستند که کمترین وقت و کوشش را صرف تعامل با کودک می کنند. این والدین اغلب تحت فشارهای روانی فراوان زندگی آسیب می بینند؛ از این رو وقت و انرژی کمی برای فرزندان خود دارند. چنین والدینی بین خودشان و کودک فاصله ای ایجاد، و آن را حفظ می کنند و اغلب این والدین بیشترین اولویت را

1- Maccoby

برای نیازها و علائق خود قائل هستند تا برای کودکانشان. آنها والدین محورند نه کودک محور (هترینگتون، ۱۳۷۳: ۲۳۴).

این والدین از فرزندان خود حمایت نمی کنند و اغلب از رفتار فرزندان خود آگاهی ندارند. بیشتر این والدین از بسیاری از نیازهای تربیتی فرزندان خود غافل هستند. بی مهری و طرد فرزندان از سوی والدین به دو طریق بی اعتنایی به وجود فرزند و سختگیری نسبت به کارها و فعالیتهای او انجام می گیرد. هنگامی که فرزند مورد بی اعتنایی کامل از سوی والدین قرار می گیرد، احساس می کند اگر چه یکی از اعضای خانواده است در واقع نسبت به آنها بیگانه است و سرباری بیش نیست. والدین با تنبیه و سرزنش و ایرادهای گوناگون به فعالیتهای کودک، بی مهری خود را نسبت به او ابراز می کنند (دارلینگ^۱، ۱۹۹۹، به نقل از احمدی) در حالی که در روش تربیتی مسئولانه از غفلت نسبت به تربیت فرزندان نهی شده است و ضمن تعادل در تقاضاها و پاسخ دهی، روابط عاطفی و معقولی بین والدین و فرزندان وجود دارد. نظارت و مراقبت غیر مستقیم و کنترل بر اساس ضوابط همراه با عواطف صورت می گیرد و به نیازهای مادی و معنوی فرزندان توجه می شود و والدین نسبت به سرنوشت فرزندان خود احساس مسئولیت می کنند.

والدین مسئول در بازی فرزند خود شرکت می کنند. آنها می دانند بازی نیاز طبیعی کودک است و بدون آن فرزند، رشد سالم نمی کند؛ در ضمن همین بازیهاست که استعدادها و طبیعی کودک پرورش می یابد و اخلاق و رفتار اجتماعی و انفرادی او شکل می گیرد و برای زندگی آینده آماده می شود. مستحب است که فرزند در کودکی به بازی و جست و خیز پردازد تا در بزرگسالی شکیباشد^(۳۳) (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۶: ۵۱).

والدین در فرزند پروری مسئولانه از هیچ نوع راهنمایی به فرزند خویش دریغ نمی ورزند و خیر و سعادت فرزند را خواهان هستند^(۳۴)؛ در حضور دیگران، فرزند را نصیحت و راهنمایی نمی کنند تا به شخصیت او ضربه ای وارد نشود^(۳۵) (حرانی، ۱۴۰۴: ۴۸۹).

تربیت فرزند از دیدگاه اسلام آن چنان از اهمیت برخوردار است که حضرت رسول اکرم (ص) والدینی را که به این مهم بی توجهند و خواندن و نوشتن و یادگیری کارهای واجب فرزند خویش را فدای مال دنیا می کنند، مورد سرزنش قرار می دهد و براثت خود را از آنها چنین بیان می فرماید: «ویل لاولاد آخر الزمان من آبائهم لا یعلمونهم شیئاً من الفرائض و إذا تعلموا

1- Darling

مَنْعُوهُمْ وَ رَضُوا عَنْهُمْ بَعْرَضِ يَسِيرٍ مِنَ الدُّنْيَا فَاَنَا مِنْهُمْ بَرِيءٌ و هم منى براءء: وای به حال فرزندان آخر الزمان از دست پدرهایی که هیچ یک از کارهای لازم و واجب را به آنها نمی آموزند و هنگامی که خود فرزندان می خواهند به فراگیری علم بپردازند، آنها به خاطر کمی مال دنیا مانع می شوند. من از این نوع پدران بیزارم و آنها هم از من بیزار خواهند بود (طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۲: ۲۹۰).

والدین مسئول فرزندان خود را به ارزشها و آداب نیکو آشنا می کنند؛ آنان را به آداب حسنه مؤدب می سازند^(۳۶) و تعهد و پایبندی به ارزشها و امور شایسته را در آنان پدید می آورند و از آنها افرادی شایسته، مؤمن، متدین و نیکوکار می سازند (حرانی، ۱۴۰۴ق: ۲۶۳). همان طور که امام سجاد(ع) حق فرزند را بر پدر این می دانند که والدین مسئولند فرزندان را به آداب نیکو تربیت کنند.

مقایسه روش تربیتی مقتدرانه و روش تربیتی مسئولانه

در میان روشهای فرزند پروری مطرح شده در روانشناسی، فرزند پروری مقتدرانه نزدیکترین روش تربیتی به روش اسلام است؛ زیرا والدین مقتدر به صورت افرادی با صمیمیت و محبت با فرزندان خود رفتار، و با ابراز محبت به فرزندان خود، رابطه خود را با فرزندان مستحکم می کنند و از جهت کنترل رفتاری، محدودیتهای واضح و مناسب با سن فرزندان برای رفتارهای او در نظر می گیرند؛ اغلب از تقویت مثبت برای هدایت رفتار استفاده می کنند با این حال هنگامی که موقعیت اقتضا می کند از بازخواست و تنبیه هم به صورت ملایم استفاده می کنند (بامریند، ۱۹۹۱).

در این خانواده ها تمام افراد خانواده قابل احترام هستند و والدین در مسائل مختلف با فرزندان خود مشورت می کنند و اعضای خانواده صلاحیت اظهار نظر درباره مسائل و مشکلات مربوط به خود را دارند. والدین مقتدر، والدینی انعطاف پذیرند و ضمن اعطای آزادی به فرزندان خود برای هدایت آنها مقررات و چارچوبهای روشنی تعیین می کنند. آنها هم چنین به گفته های کودکان خود گوش، و گفتگو با آنها را ترویج می کنند. این والدین حقوق ویژه خود را به عنوان بزرگسال شناخته اند، اما علایق فردی و ویژگیهای خاص کودک را نیز می شناسند (بامریند ۱۹۹۱).

والدین مقتدر توقعاتی دارند که در مورد تواناییهای در حال رشد فرزندشان معقول هستند. این والدین از طریق تنظیم کردن انتظاراتشان با توانایی فرزندان خود در پذیرفتن مسئولیت رفتارشان به

آنها امکان می دهند تا بفهمند افراد شایسته ای هستند که می توانند خودشان زندگی روزمره را با موفقیت بگذرانند؛ در نتیجه عزت نفس زیاد و رفتار پخته و مستقل پرورش می یابد (برک، ۱۳۸۱: ۴۵۶).

از دیدگاه روانشناسان در میان سبکهای مطرح شده در غرب روش فرزند پروری مقتدرانه بهترین و کارآمدترین روشهای تربیتی است به طوری که فرزندان که والدین آنها روش مقتدرانه را به کار می برند در مقایسه با فرزندان که والدین آنها از روش تربیتی آسان گیرانه و مستبدانه و مسامحه کارانه استفاده می کنند از مهارتهای اجتماعی و عزت نفس بیشتری برخوردارند و نسبت به کودکان و نوجوانان دیگر امیدوارتر هستند (برک، ۱۳۸۱: ۳۵۴)؛ هم چنین بین یادگیری و پیشرفت تحصیلی فرزندان با روش تربیتی مقتدرانه رابطه معنی دار وجود دارد (باقرپور، ۱۳۸۷: ۹۵).

اغلب نوجوانان بزهکار بیان کرده اند که دارای پدرانی عصبانی و پرخاشگر هستند؛ مسئولیت ناپذیر، تنبیه کننده با دستورهای خشن (مک کورد^۱، ۱۹۷۹؛ کلسو و استوارت^۲، ۱۹۸۶ به نقل از فقیهی، ۱۳۸۵) و مادرانی با ویژگی بی اعتنا و طرد کنندگی دارند (مارکوس و گری^۳، ۱۹۹۸ به نقل از فقیهی، ۱۳۸۵). نبودن عواطف و حمایت با رفتار خشونت آمیز نوجوانان رابطه قوی دارد (سانر و الیکسون^۴ به نقل از فقیهی، ۱۳۸۵).

نتیجه گیری

در میان روشهای فرزند پروری مطرح شده در روانشناسی، فرزند پروری مقتدرانه نزدیکترین روش تربیتی به روش اسلام است؛ زیرا والدین مقتدر به صورت افرادی با صمیمیت و محبت با فرزندان خود رفتار، و با ابراز محبت به فرزندان خود رابطه خود را با فرزندان مستحکم می کنند. اگر چه این روش تربیتی نزدیکترین روش به روش تربیتی اسلام است، تفاوتی بین این دو روش هست؛ چنانکه فرزند پروری مقتدرانه با تقاضاها و پاسخ دهی زیاد والدین مشخص می شود در حالی که در روش تربیتی اسلام تقاضاها و پاسخ دهی بر محور تعادل است. معمولاً والدین مقتدر تلاش می کنند تا فرزندشان به اهدافی دست یابند که خود برای آنها تعیین کرده اند؛

1- Maccord

2- Kelso & Stewart

3- Marcus & Gray

4- Saner & Ellickson

درحالی که در روش مسئولانه اهدافی که خداوند برای تربیت فرزند مطرح کرده است نیز مد نظر قرار می گیرد. علاوه بر این گاهی اقتدار غیر منطقی موجب احساس طرد شدگی، پرخاشگری و افسردگی فرزندان می شود در حالی که در روش مسئولانه رفتارها و تعامل والدین با فرزندان بر ضوابط شرعی مبتنی است و والدین از دستورهای الهی تخطی نمی کنند.

اگر چه والدین مقتدر در پی عزت بخشی به فرزندان خویش هستند در نگاه آنان، انسان از این جهت که انسان است و وجود دارد و می تواند استقلال داشته باشد به عزت نفس انسان توجه دارند در حالی که در اسلام انسان از آن جهت که وجودی از وجود خداست (حجر/۲۹) دارای ارزش است و بر انسان لازم است که این ارزش را حفظ کند و افزایش دهد و این وظیفه بر دوش والدین به عنوان عاملان اصلی تربیت فرزندان نهفته است تا بیشتر به این اصل اساسی تربیت توجه کنند و محور تربیتی خویش را بر این اصل قرار دهند.

در روش فرزند پروری مقتدرانه، مسامحه کارانه، آسان گیرانه و مستبدانه بیشتر بر نوع شخصیت والدین و نگرش آنها تأکید می شود در حالی که در شیوه مسئولانه از یک سو معیار شیوه فرزند پروری فطرت خود فرزند است و والدین موظفند بر اساس آن برنامه ریزی تربیتی کنند و خواسته های شخصی خود را که چه بسا بر اساس هواهای نفسانی است و نه بر اساس فطرت انسانی معیار قرار ندهند و از سوی دیگر احکام و راهنماییهای هدایتی و تربیتی انبیا را به کار گیرند که براساس آموزه های الهی مطرح کرده اند.

در سبکهای تربیتی غرب انسانها ناظر بر چگونگی تربیت فرزندان هستند در حالی که در شیوه مسئولانه خدا ناظر است و والدین اعتقاد دارند که فرزندان اماناتی نزد والدین هستند که هدایت و تربیت فرزند وظیفه آنها، و خداوند ناظر بر عملکرد آنهاست و باید در قیامت در برابر خداوند پاسخگو باشند و به همین سبب ضمانت اجرایی مناسبی وجود دارد.

هدف در فرزند پروری در چهار سبک مقتدرانه، مستبدانه، آسان گیرانه و مسامحه کارانه برای کنترل و اجتماعی کردن فرزندان است (بامریند، ۱۹۹۱) در حالی که در روش تربیتی مسئولانه از آنجا که والدین به حقیقت وجودی انسان آگاه هستند و انسان را مستعد رسیدن به همه کمالات می دانند در نتیجه والدین مسئول، هدف از تربیت فرزندان را رسیدن به کرامت و قرب الهی و متخلق شدن به صفات الهی می دانند.

در چهار روش مطرح شده در غرب والدین به تربیت دینی فرزندان توجهی ندارند در حالی که

روش تربیتی اسلام بر اساس توحید مداری و ولایتمداری است. والدین مسئول، تربیت فرزندان خویش را بر محور توحید قرار می دهند و از فرزندانشان می خواهند که در آثار صنع الهی بیندیشند (مجلسی، ۱۳۶۷، ج ۲۳: ۱۱۴) و هیچ چیز را شریک خداوند قرار ندهند (لقمان/۱۳)؛ همیشه به یاد او باشند و ارتباط محکمی با او برقرار سازند.

در چهار سبک تربیتی، الگوی تربیتی انسانهای مافوق و برتری هستند که در ابعاد دنیوی یعنی علم، فن، هنر و غیره سرآمد هستند؛ ولی در شیوه تربیتی مسئولانه پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) به دلیل انسان کامل بودن، بهترین الگوی تربیت معرفی می شوند.

یادداشت ها

- ۱- امام صادق (ع): «البنون نعیم و البنات حسنات و الله یسئل عن النعیم و یتیب علی الحسنات».
- ۲- پیامبر اکرم (ص): «الوَلَدُ ثَمَرُ الْقَلْبِ».
- ۳- پیامبر اکرم (ص): «أَطْلُبُوا الْوَلَدَ وَ التَّمَسُّوهُ فَإِنَّهُ قُرَّةُ الْعَيْنِ وَ رِيحَانَةُ الْقَلْبِ».
- ۴- امام زین العابدین (ع): «مِنْ سَعَادَةِ الرَّجُلِ أَنْ يَكُونَ لَهُ وَوَلَدٌ يَسْتَعِينُ بِهِمْ».
- ۵- امام صادق (ع): «أَيَاكُمْ أَنْ تَعْمَلُوا عَمَلًا يُعَيِّرُونَا بِهِ فَأَنْ وَكَلْنَا السُّوءَ يُعَيِّرُ وَاللَّذَّةَ بَعْمَلِهِ».
- ۶- پیامبر اکرم (ص): «الْوَلَدُ ثَمَرُ الْقَلْبِ وَ أَنَّهُ مَجْنَبَةٌ مَبْخَلَةٌ مَحْزَنَةٌ».
- ۷- پیامبر اکرم (ص): «أَحَبُّو الصِّبْيَانَ وَ اِرْحَمُوهُمْ».
- ۸- امام علی (ع): «لَا تَسْتَبِدْ بِرَأْيِكَ فَمَنْ اسْتَبَدَّ بِرَأْيِهِ هَلَكَ».
- ۹- امام علی (ع): «وَ لَا تَكُونَنَّ مِمَّنْ لَا تَنْفَعُهُ الْعِظَةُ إِلَّا إِذَا بَالَغَتْ فِي إِيَّامِهِ، فَإِنَّ الْعَاقِلَ يَتَعَزَّزُ بِالْأَدَابِ، وَ الْبُهَّائِمَ لَا تَتَعَزَّزُ إِلَّا بِالضَّرْبِ».
- ۱۰- امام علی (ع): «لَا تَقْسِرُوا أَوْلَادَكُمْ عَلَى آدَابِكُمْ، فَإِنَّهُمْ مَخْلُوقُونَ لِزَمَانٍ غَيْرِ زَمَانِكُمْ».
- ۱۱- امام صادق (ع) نیز می فرماید: «قال موسى (ع): «يا ربّ أي الأعمال أفضل عندك؟ قال: حُبُّ الاطفال فإنّي فطرتهم على توحيدى فان أمّتهم أدخلتهم جنتى برحمتى».
- ۱۲- پیامبر اکرم (ص): «ليس منا من لم يرحم صغيرنا و لم يوقر كبيرنا».
- ۱۳- امام علی (ع): «قلوب الرجال و حشيشة فمن تألفها أقبلت عليه».
- ۱۴- امام علی (ع): «من أحب شينا لهج بذكره».
- ۱۵- امام کاظم (ع): «اذا أحب أحدكم أخاه فليعلمه فإنه أصلح لذات بينكم».
- ۱۶- امام علی (ع): «وجدتک بعضی بل وجدتک کلی، حتی کان شینا لو اصابک اصابنی، کان الموت لو أتاک أتانی».
- ۱۷- پیامبر اکرم (ص): «من كان له ولدٌ صبا».
- ۱۸- قال صادق (ع): «اذا سافر احدكم فقدم من سفره فليات أهله بما تيسر و لو بحجر».

- ۱۹- پیامبر اکرم(ص): « انَّ اللهَ يَحِبُّ أَنْ تَعْدَلُو بَيْنَ أَوْلَادِكُمْ حَتَّى فِي الْقَبْلِ».
- ۲۰- امام صادق(ع): «رحم الله من أعان ولده على بره قال: قلت كيف يعينه على بره؟ قال يقبل ميسوره و يتجاوز عن معسوره و لا يرهقه و لا يخرق به».
- ۲۱- امام علی(ع): «لا نعمه هنا من الامن».
- ۲۲- «كان النبي(ص): «إذا أصبح مسح على رويس ولده و ولد ولده».
- ۲۳- امام علی(ع): «لا أدب مع غضب».
- ۲۴- امام علی(ع): «من حسن كلامه كان النجح امامه».
- ۲۵- امام علی(ع): «اياك و مستهجن الكلام فانه يوغر القلب».
- ۲۶- امام علی(ع): «الافراط في الملامه يشب نيران اللجاج».
- ۲۷- امام صادق(ع): «تجب للولد على والده ثلاث خصال؛ اختياره لوالدته و تحسين اسمه و المبالغه تأديبه»
- ۲۸- امام علی(ع): «و لقد كان في رسول الله(ص) كاف لك في الأسوة فتأس بنبيك الأطيب الأطهر عليه السلام فان فيه أسوة لمن تأسى، و عزاً لمن تعزى، و أحب العباد الى الله المتأسى بنبيه و المقتص لاثره» (نهج البلاغه، خطبه ۶۰)
- ۲۹- امام علی(ع): «لا ترى جاهلا الا مفرطاً و مفرطاً».
- ۳۰- امام علی(ع): «الثناء بأكثر من الاستحقاق مَلَقٌ و التقصير عن الاستحقاق عى أو حسنة».
- ۳۱- امام علی(ع): «النظر الى وجه الوالدين عباده».
- ۳۲- امام علی(ع): «كثرة الكلام تمل الاخوان».
- ۳۳- امام كاظم(ع): «تستحب عرامه الغلام في صغره ليكون حليماً في كبره. ثم قال : ما ينبغي الا أن يكون هكذا».
- ۳۴- امام حسن عسگری از تعجب والدين از عنایت بزرگ خدا به آنها در بهشت یاد کرده است و می فرماید: «فيقولان يا ربنا انى لنا هذه و لم تبلغها أعمالنا؟ فقال هذه بتعليمكما القرآن و تبصير كما آية بدين الاسلام. فانى لم الك نصيحه و انك لن تلغ في النظر لنفسك و ان اجتهدت مبلغ نظرى لك».
- ۳۵- امام علی(ع): «من وعظ علانيه فقد شانه».
- ۳۶- امام سجاده(ع): «أَنْكَ مَسْتُولٌ عَمَّا وَلَيْتَهُ مِنْ حُسْنِ الْأَدَبِ».

منابع فارسی

- قرآن کریم. ترجمه محمد مهدی فولادوند(۱۴۱۵ق). تهران: دارالقران الکریم(دفتر مطالعات تاریخ و معارف).
 صحیفه سجاده. ترجمه علی شیروانی(۱۳۸۵). قم: دار الفکر.
 ابن ابی الحدید(بی تا). شرح نهج البلاغه. مؤسسه اسماعیلیان للطباعة و النشر و التوزیع.
 احمدی، حسن؛ دریا افزون، مونا(۱۳۸۸). مروری بر تاریخچه ارتباط والدین و فرزندپروری. روزنامه آفرینش.
 استافورد و به یر(۱۳۷۷). تعامل والدین با کودک. تهران: انتشارات رشد.

- باقر پور، صغری (۱۳۸۷). بررسی رابطه الگوهای فرزند پروری با سلامت روانی و موفقیت تحصیلی فرزندان. مجله روان شناسی و علوم تربیتی. س ۳۸. ش ۴.
- باقری، خسرو (۱۳۶۸). **نگاهی دوباره به تربیت اسلامی**. تهران: سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزش. بخاری، محمد ابن اسماعیل (۱۴۰۱ ق). **الصحيح**. بيروت: دارالفکر.
- برک، لورا ای (۱۳۸۱). **روان شناسی رشد (از لقاح تا کودکی)**. ج ۱. ترجمه یحیی سید محمدی. تهران: ارسباران. حر حاملی، محمد بن حسن (۱۳۶۷). **وسائل الشیعه**. ج ششم. تهران: الاسلامیه.
- حرانی، ابو محمد الحسن [ابن شعبه] (۱۴۰۴). **تحف العقول**. تصحیح و تعلیق: علی اکبر الغفاری. قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعه لجماعة المدرسين بقم المشرف.
- خوانساری، محمد (۱۳۷۳). **شرح غرر الحکم و درر الکلم**. ج چهارم. تهران: دانشگاه تهران.
- رضی، محمد (۱۳۸۶). **نهج البلاغه**. ترجمه محمد دشتی. قم: میراث ماندگار.
- سارمی غفاری (بی تا). **آیین بندگی**. قم: مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی.
- سپهری، محمد (۱۳۷۴). **ترجمه و شرح رساله حقوق**. بی جا: دارالعلم.
- شریعتمداری، علی (۱۳۷۸). **روانشناسی تربیتی**. تهران: انتشارات امیر کبیر.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۷). **الکافی**. ج سوم. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۴). **تفسیر المیزان**. ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- طبرسی، حسن ابن فضل (۱۴۰۸). **مکارم الاخلاق**. بی تا: منشورات الشریف الرضی.
- فقیهی، علی نقی (۱۳۸۵). **مطالعه تطبیقی سبک های فرزند پروری**. مجله تربیت اسلامی.
- قائمی مقدم، محمدرضا (۱۳۸۲). **روش های آسیب زا در تربیت از منظر تربیت اسلامی**. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ماسن، هنری پاول و همکاران (۱۳۶۸). **رشد و شخصیت کودک**. ترجمه مهشید یاسایی. تهران: نشر مرکز.
- متقی، ابن حسام الدین (۱۴۰۹). **کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال**. بیروت: مؤسسه الرسالة.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳). **بحار الأنوار**. بیروت: مؤسسه الوفاء.
- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۵). **حکمت نامه کودک**. قم: دارالحدیث.
- هترینگتون، ای میوسیل (۱۳۷۳). **روان شناسی کودک از دیدگاه معاصر**. ج ۲. ترجمه جواد طهوریان، محمد حسن نظری نژاد، علی آخشینی و خوشه کسرابی. مشهد: معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی.
- یعقوبی، احمد ابن اسحاق (۱۳۵۸). **تاریخ یعقوبی**. بی جا: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

منابع انگلیسی

- Baumrind D.(1991). **Effetive parenting during the early adoiescent transition In P.A.Cowan & E.M.Hetherington(Eds). Family tranaitions. (vol.2 pp.111-163). MillsdalenJ:Erlbaum.**
- Darling,N.(1999). **Parenting styl Its correlates, ERic Digest ERic Clearinghouse on Elementary and Early childhood Education champaign.**
- Maccoby,E.e,(1984). **Socialization and development chang. Child Development, 55, 517-52**

